

تبیین رویکرد تلفیقی در مدیریت و کنترل مرزها مورد مطالعه مرزهای خشکی ایران

دریافت مقاله: ۹۸/۱۲/۷ پذیرش نهایی: ۹۹/۴/۱۹

صفحات: ۱۹۹-۲۱۹

rijahane salih abadi: دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

Email: reyhane.salehabadi@gmail.com

siroush ahmadi: استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران^۱

Email: ahmadi@modares.ac.ir

afshin mottaghi: دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، ایران

Email: a.mottaghi@khu.ac.ir

چکیده

مرزها به عنوان نقاطی که نهادهای حکومت به روش‌ها و اشکال گوناگون قانون خود را در آن پیاده‌سازی می‌نمایند شناخته می‌شوند. با توجه به اینکه جهت کنترل و مدیریت مرزها رویکردهای گوناگونی اتخاذ شده است می‌توان مشاهده نمود که همچنان این موضوع در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به عنوان موضوعی امنیتی نگریسته می‌شود و بیشترین رویکردهای مرتبط با این امر از دیدگاه امنیتی محض موردن توجه قرار گرفته است؛ در حالی که مرز باید به صورت چندبعدی و همه‌جانبه باشد. در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌ها هستیم که مدیریت مرزهای خشکی به چه صورتی می‌تواند انجام شود؟ و کدام‌یک از شاخص‌های مدیریت مرزها از وزن و اهمیت بیشتری برخوردار است؟ بنابراین روش تحقیق به صورت تلفیقی و متشکل از آزمون کندا، دیمتل و روش AHP می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با استفاده از تکنیک‌های مورد نظر می‌توان بیان کرد شاخص‌هایی از جمله تعیین و مشخص نمودن فرستاده و شناسایی عوامل باروری آن‌ها (۰,۱)، مطالعه و شناخت موقعیت جغرافیایی و شرایط فضایی مناطق مرزی (۰,۰,۹۹)، تعیین و مشخص کردن تهدیدهای و شناسایی ریشه‌ها و عوامل آن (۰,۰,۹۸) و خارج ساختن مناطق مرزی از انزوا (۰,۰,۹۶) دارای بیشترین وزن هستند؛ بنابراین می‌توان به عنوان نتیجه گفت که مدیریت در مناطق مرزی باید به صورت تلفیقی و ترکیبی با سایر عوامل در نظر گرفته شود بدین معنا که به کارگیری تنها یک رویکرد مانند اقتصادی یا امنیتی نمی‌تواند راهگشای حل مشکلات نواحی مرزی کشور باشد.

کلید واژگان: مرز، مدیریت مرز، رویکرد تلفیقی، مرز خشکی

۱. نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیای سیاسی

مقدمه

بخش قابل توجهی از ادبیات جغرافیای سیاسی متمرکز بر مطالعه مرزها و مناطق مرتبط با آنها است. مرزهای سیاسی نشان‌دهنده حدود صلاحیت و قدرت یک سیستم حکومتی می‌باشند. اصطلاح مرز با مفهوم وستفالیایی حق حاکمیتی حکومت‌ها دارای ارتباط تنگاتنگی است (Anderson, 2001: 15, Wolff, 2008: 253). در واقع مفهوم نوین مرز به معنی خط فرضی مشخص‌کننده شروع حاکمیت یک کشور، ریشه در سده‌های اخیر دارد و مفهومی جدید است. در جهان معاصر دیگر مرز را خط جداکننده دو کشور یا دو واحد سیاسی مستقل نمی‌دانند زیرا جهان کنونی پیوندهای شبکه‌ای و همکاری‌های گسترده است. لذا مرز خط شروع حاکمیت و نیز خط پیونددهنده دو حاکمیت سیاسی و دو یا چند کشور مستقل می‌باشد. حال این سؤال مطرح می‌گردد که در وضعیت پس از جنگ سرد آیا مرزهای سیاسی اهمیت خود را از دستداده‌اند یا خیر؟ آیا این تغییرات در سیر جهانی شدن توائسته است بر حرکت مردم، کالاهای و خدمات تأثیر بگذارد؟ امروزه مشاهده می‌کنیم که دولتها به طور فزاینده‌ای در تلاش برای تنظیم مدیریت مرزهای خود هستند. تاکنون پژوهشگران موضوعات مختلفی را در ارتباط با مدیریت مرز مورد بررسی قرار داده‌اند (Bigo, 2007: 5, Salter, 2008: 368, Andreas, 2009: 25, Nevins, 2010: 15, Pratt, 2009: 465). به عنوان مثال تشدید استفاده از پلیس مرزی (Peutz, 2010, Aas, 2011; Rygiel, 2011: 731)، استفاده از فناوری‌های جدید امنیتی (Adey, 2009: 278, Amoore, 2009: 52, Smith, 2013: 88)، کنترل مهاجرت از طریق رژیم‌های شهرهای (Thompson, 2008, Pickering, 2013)، اقدامات مرتبط با مرزبانی (Nyers, 2011: 6)، اقدامات اجتماعی و فرهنگی (Walters, 2010, Côté-Boucher, 2010: 41) و مدیریت مرزها اصولاً بر اساس سه رویکرد اصلی امنیتی-نظمی، توسعه‌گرا (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، عمرانی) و تلفیقی صورت می‌گیرد که این امر ریشه در منطق نئولiberالبیسم دارد (Côté-Boucher, 2014: 197). به طور خلاصه می‌توان گفت که مدیریت مرزها بر اساس استانداردهای خاص خود و مقررات مشخص‌شده به خوبی می‌تواند ثبات سیاسی و حاکمیتی را در عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای یک کشور به دنبال داشته باشد. ایران به همراه چین و پس از کشور روسیه، دارای بیشترین تعداد همسایه در جهان می‌باشد. ایران با ۱۵ کشور مستقل جهان دارای مرز مشترک خشکی و آبی است (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۲۳). طول مرزهای ایران بالغ بر ۸۷۳۱ کیلومتر است که حدود ۶۰۳۱ کیلومتر از خطوط مرزی را رودخانه‌ها، مرداب‌ها و باتلاق‌ها، جنگل‌ها، کویرها و کوهستان‌ها که در شمار مرزهای خشکی محسوب می‌شوند تشکیل می‌دهند و طول مرزهای دریایی ایران در سه ساحل خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر نیز ۲۷۰۰ کیلومتر می‌باشد؛ بنابراین توجه به اینکه کشور ایران در منطقه پرتنش خاورمیانه قرار دارد و دارای مرزهای خشکی طولانی با کشورهای همسایه می‌باشد که از بی‌ثباتی سیاسی و عدم مدیریت صحیح در امور داخلی و خارجی برخوردار می‌باشند (به عنوان مثال افغانستان کشوری که دارای بیشترین ترانزیت مواد مخدوٰ در جهان است، عراق و پاکستان که دارای بیشترین عامل بی‌ثباتی سیاسی

از طریق وجود گروههای تروریستی متعدد در منطقه می‌باشد) لازم است تا به امر مدیریت مرزها بهخصوص در نواحی خشکی بپردازیم.

مبانی نظری

عدالت فضایی و جغرافیایی

تا اوایل دهه ۱۹۳۱ نظریه‌هایی که در ارتباط با ابعاد غیرفضایی پدیده‌های اجتماعی- اقتصادی بودند به موضوعاتی مانند توسعه و عوامل مرتبط با این امر می‌پرداختند (افراخته، ۱۳۹۵: ۲۵). نظریه‌های توسعه در واقع به دنبال ایجاد برابری و عدالت اقتصادی و اجتماعی، از بین بردن همه‌جانبه نابرابری، توزیع بهینه منابع، تخصیص مجدد منابع و رشد موزون ناحیه‌ای با هدف رسیدن به برنامه‌ریزی جامع در سطح ملی و محلی بوده است (Haughton, 2004: 2). در این بین مفهوم عدالت فضایی مطرح می‌گردد که این اصطلاح نشان‌دهنده و منعکس‌کننده وقایع و ارتباطات اجتماعی است. در واقع عدالت فضایی ارتباطی بین برقراری عدالت اجتماعی و فضا می‌باشد که توسعه‌دهنده عدالت اجتماعی نیز محسوب می‌گردد (Dufaux, 2008: 2). در ارتباط با عدالت اجتماعی دیدگاه‌های مختلف وجود دارد: دیدگاه اول بر توزیع مجدد منابع تمرکز دارد و دیدگاه دوم بر فرایندهای تصمیم‌گیری متتمرکز است. می‌توان بیان نمود که عدالت فضایی به سمت رفع فقر و تعییض یا محدودیت سیاسی حرکت می‌کند و نشان‌دهنده وضعیت زندگی، توزیع فرصت‌ها و دسترسی به تسهیلات عمومی می‌باشد (یغفوری، ۱۳۹۶: ۱۱۶). در واقع نابرابری‌هایی فضایی با افزایش نابرابری‌های اجتماعی در شهرها و مناطق جغرافیایی تشدید می‌شوند و در نهایت منجر به افزایش نابرابری اجتماعی می‌گردد (Skop, 2006: 394). نابرابری فضایی با بی‌عدالتی اجتماعی در ارتباط مستقیم قرار دارد و از تأثیرگذاری بالایی برخوردار می‌باشد. سوچا عدالت اجتماعی را موضوعی جغرافیایی می‌داند و با مفاهیمی مانند آزادی، برابری، دموکراسی و حقوق مدنی در یک راستا می‌بیند (Manuel, 2016: 2). از دیدگاه هاروی می‌توان بیان نمود که عدالت در سازمان فضایی دربرگیرنده سه مفهوم اصلی و اساسی یعنی نیازمنجی اقتصادی، توان سنجی محیطی و منافع اجتماعی است (یاسوری، ۱۳۹۵: ۹۹). با بررسی میزان نابرابری‌ها و شناسایی بی‌عدالتی فضایی در مناطق مرزی می‌توان پی به این مسئله برد که بی‌عدالتی بیشتر در کدام بخش مرزی متتمرکز شده است تا از این طریق بتوان با مدیریت صحیح و با عملکردی آگاهانه در توزیع فضایی خدمات عمومی و منافع موجود در سطح جامعه به کاهش نابرابری مرزی پرداخت و کیفیت زندگی ساکنان مرزی را ارتقا بخشید و توسعه پایدار مرزی را برای این مناطق به وجود آورد؛ بنابراین بی‌عدالتی را تنها نمی‌توان نابرابری اقتصادی در نظر داشت (Martnez, 2005: 31) بلکه این نوع بی‌عدالتی نمادی از فضا و پراکنش‌های فضایی است (Soja, 2008: 2) که بازتاب آن را در مناطق مرزی بهخوبی می‌توان ملاحظه نمود.

تعریف و مفهوم مرز

در تعریف مرز می‌توان گفت که خطی است که یک کشور استان و ... را از دیگر کشورها جدا می‌کند (WUD, 2013). هگل مرزها را پدیده‌های فلسفی می‌داند که بهخوبی می‌توان تضادها و پارادوکس‌های مستمر در آن‌ها را درک نمود. وی به صراحت بیان می‌کند که مرزها واقعاً وجود دارند و فضای علامت‌گذاری و ساختاری را شکل

می‌دهند که منجر به ایجاد تفاوت‌های کشورها از یکدیگر می‌شوند (Kolossov, 2013: 1). اندیشمندان گوناگون تعاریفی از مرز ارائه داده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: درایسلد-بلیک: مرز به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک حکومت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا،... مانع ایجاد می‌کند (درایسلد و بلیک، ۱۳۷۴: ۱۰۱). محمد رضا حافظ‌نیا: مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک حکومت ملی را مشخص می‌کند. مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشكل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۶۹). دره میرحیدر: خطوط مرزی، خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که به‌منظور تحديد حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند (میرحیدر، ۱۳۸۵: ۱۶۱). پیروز مجتهدزاده: مرز خطی است فرضی در فضای جدایی‌کننده دو ملت، دو کشور و دو نظام حکومتی است، مرز در انتهای قلمرو حقوقی و قانونی یک دولت قرار می‌گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: جزوه کلاسی). بدیهی است که تمامی تعاریف اشاره به خطی بودن مرز دارند و گاهی اوقات با عنوان نوار باریک نیز شناخته می‌شود (MWUD, 2014). علاوه بر این همچنین معمولاً به عنوان بخش یا لبه سطح و منطقه نیز شناخته می‌گردد (OD, 2014). مفهوم مرز در جغرافیای سیاسی معانی خیلی وسیع‌تری را در بر می‌گیرد و در واقع برای تعیین مرزهای حاکمیتی و اختلافات موجود بین آن‌ها به کار گرفته می‌شود (Guo, 2014: 5). مرزها را می‌توان در مواردی از این قبیل مورد توجه و بررسی قرار داد: نهادی (رسمی و غیررسمی)، عملکردی، مختلط. مرزها ممکن است توسط نهادهای رسمی یا غیررسمی ایجاد گردند و در عملیات‌های دولتی مبتنی بر قوانینی که توسط حکومتها تعیین می‌گردد مرزها مورداً جراحت و نظرات قرار گیرند. از سویی دیگر می‌توان بیان کرد که مرزها ریشه در جوامع محلی دارند و در برگیرنده آداب و رسوم، سنت‌ها، قوانین رفتاری و عقاید موجود هستند. در دهه ۱۹۹۰ جامعه بین‌المللی مرکب از صاحب‌نظران و اندیشمندان مختلف در ارتباط با مرز و مفهوم آن شروع به نظریه‌پردازی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناسی و معنایی نمودند. نیomon و پاسی (۱۹۹۸) چهار موضوع مهم را در مطالعات مرزی مورد شناسایی و بررسی قرار دادند (Paasi, 2009: 218). اولین مورد موضوع پسامدرن بوده است. آن‌ها اعتقاد دارند مباحث مرتبط با پساختارگرایی در مورد ناوبدی سرزمینی و تجدید سرزمین در ژئوپلیتیک انتقادی ظهور نموده است، از سویی دیگر نقش مرزها در ساخت هویت اجتماعی-مکانی و در عین حال در ایجاد تمایزات بین ما و دیگری مورد توجه قرار داده‌اند. این بحث نیز در جامعه‌شناسی و مطالعات پسااستعماری پدید آمده است (Elias, 1994: 9). سومین مورد مرتبط با مرزها را می‌توان در گفتمان‌های مرزی که فرایندهای اجتماعی شدن ملی را به اهداف و منافع ملی پیوند می‌زنند مشاهده نمود؛ و در نهایت مقیاس‌های مختلف فضایی که در ایجاد و تولید مرزها در جغرافیای سیاسی می‌توانند مورد توجه قرار گیرند. این رویکردها برای نشان دادن توجه به مرزها می‌باشد که به‌وضوح بیان می‌کند شیوه‌هایی تولید و ترسیم مرزها می‌تواند در ارتباط بین قدرت کشورها نمود یافته و بسیار جدی‌تر از گذشته مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است (Agnew, 1994: 59, Shapiro, 1996: 18).

اگر در ژئوپلیتیک سنتی برقراری و نگهداری از مرزهای بین‌المللی به عنوان راه حلی برای ایجاد امنیت ملی تصویر می‌شود امروزه مرزها به مسئله کانونی برای مقامات مرزی و تکونوکرات‌ها در چگونگی مدیریت فضاهای متناقض

تبديل شده است (Cowen, 2009: 30). در اين بين رویکرد Foucauldian ما را به مطالعه مرزهاي سوق مى دهد که نشان دهنده اين موضوع مى باشد ميزان مداخله دولتها در کنترل و مدیریت مرزها باید به چه ميزان باشد (به عنوان مثال در تحرکات بین المللی در قالب صدور وiza و مقررات مرتبط با آن) (Prokkola, 2012: 1321). در اين برای کنترل اين مناطق مرزی باید سیستم مدیریتی صحیحی اندیشه شود. بر طبق دیکشنری آکسفورد واژه مدیریت به معانی زير مى باشد: مسئول بودن؛ نظارت کردن؛ مسئول تیم بودن؛ اداره و تنظیم کردن (منابع تحت کنترل)؛ تحت کنترل در آوردن و تأثیرگذار بودن (شخص یا حیوان)؛ کنترل استفاده یا بهره برداری از (زمین یا ...) (The Concise Oxford Dictionary, 1999: 864). در مطالعات مرزی، مدیریت مرز شامل همه فعالیتهایی که سبب حصول اطمینان از عملکرد صلح آمیز مرز به گونه‌ای که ثبات و دسترسی و احساس امنیت شهروندان و کشورهای هم مرز را در بر گیرد، می‌شود. این فعالیت‌ها به طور قابل توجهی شامل نظارت، حفاظت از مرز، تعیین حدود نقاطی برای عبور و مرور آزادانه، کنترل دسترسی و فراهم کردن زمینه‌های همکاری و ... می‌باشد. به عبارت دیگر، مدیریت مرز یک مکانیسم برای تضمین امنیت مرزهاي ملي و برای تنظیم حرکات قانونی در طول مرزها برای دستیابی به نیازهای متفاوت کشور توسط ارتباطات فرهنگی- اجتماعی- اقتصادی که از طریق مرزها فراهم می‌گردد است. بنابراین واژه مدیریت مرز یک واژه گسترده‌تری است که محدوده کنترل امور اجرایی مرزها شامل اطمینان از حفظ حرمت آنها را مشخص می‌کند (Pratt, 2001: 7). در تعریفی دیگر، مدیریت مرز اغلب به روش‌ها و فناوری‌هایی که به افراد، دولتها و حکومتها کمک می‌کند تا مسائل مرزی، عبور مرور افراد و کالا، استفاده بهینه از منابع مشترک و ... را منطبق با قوانین و مقررات کشور انجام دهنده، اشاره می‌کند. این موضوع، همچنین شامل آژانس‌های مختلف سازمان یافته و سایر زیرساخت‌های فیزیکی، تسهیلات و ترتیبات امنیتی طراحی شده و مدیریت شده نیز می‌شود. مدیریت مرز بیش از کنترل مرزی که گمان می‌شود مسئولیت رسیدگی به عبور مرور افراد، کالاهای، منابع مرزی و ... داشته باشد با امنیت ملی کشور ارتباط دارد (Heinesson, 2009: 1). به عبارت ساده‌تر مدیریت مرز را می‌توان بدین صورت بیان کرد. مدیریت مرز یعنی برقراری تعادل بین باز کردن مرزها تا حدی که بتوان از حداکثر فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و فواید فراسوی مرز و مشترک مرزی نهایت بهره را برد و در همان زمان بسته نگاهداشتن مرز به گونه‌ای که ورود چالش‌ها و نالمنی‌های فرامرزی و مشترک مرزی به داخل کشور را به حداقل ممکن رساند؛ بنابراین می‌توان بیان نمود که با توجه به تعریف مرز به عنوان خط متمازنگننده دو واحد سیاسی فضایی از یکدیگر می‌تواند تأثیرگذاری قابل توجهی بر نوع مدیریت مرزها بهویژه از نوع خشکی داشته باشد. مرزهاي خشکی به دلیل تسهیل دادن به رفت و آمد های مرزی به عنوان یک گذرگاه عبوری بیشتر می‌تواند مورد توجه کشورها قرار داشته باشد؛ زیرا هر یک از کشورها بر اساس معیارها شاخص‌های موردنظر خود به امر مدیریت در نواحی مرزی می‌بردازند از این‌رو لازم است تا تعریفی فراگیر و در راستای هم برای مدیریت صحیح مرزی از سوی کشورهای دارای مرز مشترک اتخاذ گردد تا بتوانند به بیشترین موفقیت در این امر دست یابند.

رویکردهای مدیریت مرزی

رویکرد امنیتی مرز

تهدیدات و خطراتی که گفتمان‌های امروزی در ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی پدید آورده‌اند می‌توانند تأثیرات بهسزایی بر مرزها داشته باشند (Megoran, 2005: 715). دولتها به طور سنتی در طول یک دهه اخیر تمرکز فزاینده‌ای بر سمت پروژه‌های امنیتی فراملی و منطقه‌ای داشته‌اند (Aalto, 2003:776). این رویکرد بیشتر بر اساس گفتمان ما و دیگری است که شکل می‌گیرد؛ زیرا روایت‌هایی از ما ارائه می‌دهند که در روابط با دیگران مشروعیت بخشیده می‌شود. آکلسون^۲ در این‌باره اشاره می‌کند که چگونه گفتمان سازنده تهدیدات می‌تواند بر مدیریت مرزها تأثیرگذار باشد. به عنوان مثال در دهه ۱۹۹۰ که به بنظمی و آشوب معروف است نیاز به پاکسازی مرزی بود. بر اساس این دیدگاه اقدامات انتظامی توسط مقامات مرزی شکل گرفت. رویکردهای جدید امنیتی نسبت به مرزها را می‌توان از دیدگاه لوئیزا بیالاسوئیچ و همکارانش بررسی نمود. آن‌ها اعتقاد دارند که تهدیدات مانند تهدید به تروریسم یا مهاجرت کنترل نشده یا جریان پناهندگان از لحاظ عملکردی می‌تواند بر مرزها تأثیرات منفی داشته باشد (Prokkola, 2013: 83). در ارتباط با تعریف عملکردی می‌توان به نظرات بالتر و میشل فوکو اشاره نمود که بیان می‌کنند عملکرد به معنای گفتمان‌هایی است که طیف گسترده‌ای از شیوه‌های مرتبط با سیاست‌های مهاجرتی، استقرار نظامی و استراتژی‌ها و بحث‌های فرهنگی را به صورت گفتارهای سیاسی تبدیل نموده است (Bialasiewicz, 1993: 15).

رویکرد توسعه‌گرای مرز

مدل مدیریتی کارکردی بر محور توسعه مناطق مرزی و پویایی و شکوفایی کارکردهای مرزی استوار می‌باشد. طبق این نگرش، بحران‌ها و تهدیدها را بر بهره‌مندی از کارکردهای موجود و از بین بردن زمینه‌های آن می‌توان کاهش داد یا از بین برداشت. بنابراین در این مدیریت، دستگاه‌ها و وزارت‌خانه‌هایی که در امور مرز و مدیریت آن دخیل هستند در زمینه‌های مختلف توسعه و عمران در این مناطق می‌توانند دارای نقش باشند. علاوه بر این، استفاده از اهالی مرزی و مشارکت دادن آن‌ها در برنامه‌های اجرایی، یکی از ارکان مدیریتی است. برخی از مهم‌ترین سیاست‌ها و راهکارهای اداره مطلوب مرزها و مناطق مرزی در مدل مدیریتی کارکردی و توسعه‌گرا عبارت‌اند از: اجرای طرح آمایش سرزمین و آمایش دفاعی در مناطق مرزی؛ گسترش ارتباطات و شبکه‌های زیربنایی و خدمات اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی؛ خارج ساختن مناطق مرزی از انزوا و اجرای طرح احیا و توسعه مناطق محروم؛ نظام‌مند ساختن مبادلات تجاری در مناطق مرزی، افزایش و توامندسازی بازارچه‌های مرزی؛ گسترش معابر و گلوگاه‌های تجاری و ارتباطی به طور رسمی در مناطق مرزی؛ کاهش حساسیت‌های قومی و فرهنگی در مناطق مرزی و تقویت هویت ملی نهاد؛ استفاده از امکانات موجود در منطقه و مشارکت دادن اهالی مرزنشین در برنامه‌های اداره مرزی؛ برقراری روابط مسالمت‌آمیز با کشورهای پیرامونی و گسترش دوستی میان مرزنشینان دو طرف مرز؛ ایجاد نهادهای تجاری و بازارگانی رسمی میان کشورهای مجاور؛ گسترش امنیت فرهنگی و اجتماعی در نواحی مرزی و ایجاد جو اعتمادسازی نسبی مرزنشینان به حکومت مرکزی؛ اصلاح قوانین گمرکی و کاهش

² Akleson

عارض گمرکی متناسب با کشور مجاور جهت سهولت در امر مبادلات تجاری کالا در منطقه (زرقانی و همکاران، ۹۱: ۱۳۹۲).

مدل مدیریتی همه‌جانبه و ترکیبی

این نظام مدیریتی با توجه به بینش همه‌جانبه‌گرایی، دارای سیاستها و راهکارهای سنتزی برای اداره مرزها بوده و سعی دارد از راهکارهای مناسب مدیریت نظامی- انتظامی و کارکردی به طور هماهنگ استفاده نماید. موقعیت، حساسیت و پیچیدگی‌های مرزها و مناطق مرزی از یک طرف و تحولات جهانی و منطقه‌ای در ابعاد سیاستی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، دفاعی و امنیتی از طرف دیگر ایجاد می‌کند که از نگرش تک‌بعدی به مرزها پرهیز شود و در مدیریت و اداره آن تمامی زوایا و زمینه‌ها مدنظر قرار گیرد. با مدیریت همه‌جانبه نگر هم می‌توان تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد و هم باعث به فعالیت رساندن کارکردهای سیاسی، اقتصادی، ارتباطی و ... این مناطق مرزی شد. سیاستها و راهکارهای مدیریتی همه‌جانبه‌گرا و ترکیبی در اداره مرزها و مناطق مرزی عبارت‌اند از: مطالعه و شناخت موقعیت جغرافیایی و شرایط فضایی مناطق مرزی؛ ایجاد شرایط و فضای مناسب و امن با فرایندهای کارکردی و حمایت نیروهای نظامی و انتظامی در باروری ظرفیت‌ها و کارکردهای مرز؛ تعیین و مشخص نمودن تهدیدها و شناسایی ریشه‌ها و عوامل آن؛ تعیین و مشخص نمودن فرست‌ها و شناسایی عوامل باروری آن‌ها؛ مقابله با تهدیدها، ارائه سیاست‌ها و راهکارهای سیاستی، اقتصادی، فرهنگی و توسعه منطقه‌ای با حمایت و پشتیبانی نیروهای نظامی و امنیتی (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۵۶).

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی نوشته شده است. در بخش داده‌های کتابخانه‌ای با مراجعه به مقالات فارسی و انگلیسی، کتاب‌ها و ... شاخص‌های موردنظر در مدیریت مرزها استخراج گردید. سپس به روش دلفی پرسش‌نامه‌ای طراحی گردید و در اختیار ۲۹ متخصص در حوزه مرزی قرار گرفت جدول (۱). سپس جهت سنجش و تعیین نوع روابط بین شاخص‌های بهدست‌آمده از تکنیک DEMATEL مخفف عبارت Decision Making Trial And Evaluation است. تکنیک DEMETEL بهره گرفته شد. هدف تکنیک DEMETEL شناسایی الگوی روابط علی میان یک دسته معیار است. این تکنیک شدت ارتباطات را به صورت امتیازدهی موردنرسی قرار داده، بازخوردها تأمین با اهمیت آن‌ها را تحسیس نموده و روابط انتقال ناپذیر را می‌پذیرد. برای رسیدن به این هدف پرسش‌نامه‌ای به صورت مقایسات زوجی و در طیف ۰ تا ۴ در اختیار ۶ صاحب‌نظر قرار گرفت. جهت تعیین روایی ابزار گردآوری اطلاعات نیز در روش مقایسات زوجی تمام عوامل با یکدیگر و در ارتباط با هم سنجیده می‌شوند در نتیجه تمام احتمالات موردنظر با در نظر گرفته نشدن یک معیار یا سؤال از میان می‌رود. علاوه بر این در مقاله حاضر برای بررسی نمودن میزان روایی پرسش‌نامه شناسایی شاخص‌های موردنظر از نظرات خبرگان استفاده شده است. پرسش‌نامه از یک سری جداول کاملاً استاندارد مرتبط با مدل‌سازی ساختاری تفسیری تشکیل شده است، بنابراین پرسش‌نامه‌های مربوطه دارای روایی قابل قبولی هستند. جهت تعیین پایایی ابزار پرسش‌نامه مجبور نیز از آزمون مجدد بهره گرفته شده است. بدین منظور ضمن

توزیع نمودن پرسش‌نامه‌ها بین ۶ نفر از افراد متخصص در دو نوبت متفاوت با بازه زمانی حداقل سه هفته و استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن این مقدار در حدود ۹۲٪ محاسبه شد.

جدول (۱). سیمای پاسخ‌دهندگان

ردیف	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری سیاستی فضای ساماندهی							
ردیف	دکتری تخصصی	دکتری تخصصی	دکتری تخصصی	دکتری تخصصی	دکتری تخصصی	دکتری تخصصی	دکتری تخصصی	دکتری تخصصی	دکتری تخصصی
ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	دکتری تخصصی	دکتری تخصصی	دکتری تخصصی	دانشجوی دکتری					
۲	دکتری تخصصی	دکتری تخصصی	دکتری تخصصی	دانشجوی دکتری					
۳	دکتری تخصصی	دکتری تخصصی	دانشجوی دکتری						
۴	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری
۵	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری
۶	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری	دانشجوی دکتری

و در نهایت برای تعیین وزن عوامل مؤثر بر مدیریت مرزها از تکنیک مدل‌سازی ریاضی ای‌اچ‌پی^۳ استفاده شده است. ای‌اچ‌پی یک روش ساده محاسباتی بر پایه عملیات اصلی روی ماتریس می‌باشد که با ایجاد سلسله‌مراتب مناسب و پردازش گام‌به‌گام و ساخت ماتریس‌های تطبیقی در سطوح مختلف سلسله‌مراتب محاسبه شده است. ماتریس‌ها در قالب پرسش‌نامه طراحی شد و در اختیار چهار صاحب‌نظر در حوزه علمی و سه صاحب‌نظر از مسئولین مدیریت مرزهای دریایی با حضور محقق جهت پاسخ‌دهی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسش‌نامه‌ای گردآوری شده از روش ای‌اچ‌پی برای وزن دهی به شاخص‌ها از نرم‌افزار «اکسپرت چویس» که یک نرم‌افزار تخصصی برای تجزیه و تحلیل فرآیند سلسله‌مراتبی می‌باشد، استفاده شده است. جهت نمایش بهتر نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این نرم‌افزار، از نرم‌افزار اکسل ۲۰۱۰ برای طراحی نمودارها استفاده شده است.

نتایج

شاخص‌های مدیریت مرز

۱-مدیریت اقتصادی مرز: نواحی مرزی دارای پتانسیل‌های بالایی جهت افزایش رشد و توسعه اقتصادی هستند؛ زیرا این مناطق با وجود حس هم‌جواری با همسایگان مرزی می‌توانند سبب افزایش رونق ترانزیت کالا و خدمات شوند. از این‌رو توسعه اقتصادی سبب می‌گردد تا رشد اقتصادی و استانداردهای زندگی ساکنان مرزی بهبود یابد (Petronela, 2012: 68). مدیریت اقتصادی در نواحی مرزی در واقع به دنبال افزایش رفاه و آسایش عمومی می‌باشد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۷: ۴۵)؛ و این امر تنها از طریق حل معضلات اقتصادی و معیشتی ساکنان نواحی مرزی امکان‌پذیر خواهد بود. با توجه به اینکه عمدت‌ترین مشخصه‌های مناطق مرزی وضعیت نامطلوب منابع، نبود زیرساخت‌های حمل و نقل، مهاجرت، قاچاق کالا، شورش و ناامنی است. اقتصاد نواحی مرزی دارای نقش مهم و اساسی در ترقی، پیشرفت و توسعه اقتصادی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد و همگرایی اقتصادی نواحی مرزی دارد (بدری، ۱۳۹۶: ۴۴)؛ بنابراین با در نظر گرفتن شاخص-

³ Analytical Hierarchy Process (AHP)

های اقتصادی مانند احداث بازارچه مرزی، گسترش معابر و گلوگاههای تجاری و ارتباطی به طور رسمی در مناطق مرزی، اصلاح قوانین گمرکی و کاهش عوارض گمرکی متناسب با کشور مجاور، ایجاد نهادهای تجاری و بازرگانی رسمی میان کشورهای مجاور و ... تا حدودی می‌تواند از این معضلات بکاهد و مناطق مرزی را به سمت وسیعی رونق و توسعه اقتصادی هدایت نماید.

۲-مدیریت اجتماعی-فرهنگی مرز: در مدیریت اجتماعی-فرهنگی مرز توجه به موضوع سرمایه اجتماعی مورد تأکید قرار دارد؛ زیرا کانون بحث در جهان امروز بر نیروی انسانی و مردم متمرکز می‌باشد. نیروی انسانی امروزه به عنوان مهم‌ترین مؤلفه که می‌تواند نقش مهم و بسزایی در توسعه یا عدم توسعه مناطق داشته باشد مطرح می‌گردد. در مناطق مرزی نیز توجه به سرمایه اجتماعی از اهمیت فراوانی برخوردار است. به عنوان مثال پوتنام بیان می‌کند که افزایش اعتماد بین شهروندان و حکومت مرکزی سبب می‌گردد تا شبکه‌هایی از فعالیت‌های توسعه افزایش یافته، همکاری و ارتباطات و روابط بهبود یابد و از این طریق تعارضات و تنשی‌های موجود در یک منطقه جغرافیایی آسان‌تر حل و فصل گردد (قالیباف، ۱۳۸۷: ۲۹). از سویی دیگر توجه به بحث انسجام اجتماعی در نواحی مرزی ایران می‌تواند بر امنیت مرزی تأثیرگذار باشد؛ زیرا انسجام اجتماعی نشان‌دهنده نوعی همگرایی یک جامعه و پیوندها و روابط بین اعضای آن جامعه است (Vidgern, 1997: 755). توجه به جنبه‌هایی از مدیریت مرزی که قادر باشد تا قومیت‌ها حاضر در نواحی مرزی را به‌نوعی با نواحی مرکزی پیوند دهد از اهمیت بسزایی برخوردار است. دولتها باید برای کاهش اختلافات فرهنگی و ایجاد حقوق شهروندی برای این گروه‌های قومیتی تلاش نمایند (میرلطفي، ۱۳۹۴: ۶۲)؛ بنابراین توجه به شاخص‌هایی مانند کاهش حساسیت‌های قومی و فرهنگی در مناطق مرزی و تقویت هویت ملی نهاد، گسترش امنیت فرهنگی و اجتماعی در نواحی مرزی و ایجاد جو اعتمادسازی نسبی مرزنشینان به حکومت، تلاش در جهت کاهش فاصله طبقاتی در این مناطق و افزایش رفاه عمومی و ... می‌تواند از اهمیت بسزایی برخوردار باشد.

۳-مدیریت عمرانی مرز: توسعه عمرانی و توجه به این بخش با بحث آمایش سرمایه‌سازی در ارتباط می‌باشد. برنامه‌ریزی آمایش سرمایه‌سازی عبارت است از فرایند استفاده از امکانات، منابع و استعدادهای گوناگون موجود در یک کشور. به عبارتی برنامه‌ریزی آمایش سرمایه‌سازی در جهت بهره‌برداری منطقی از منابع و امکانات و استقرار مطلوب جمعیت امکانات و فعالیت‌ها در فضای ملی است (میرمحمدی، ۱۳۸۶: ۸). به عنوان مثال می‌توان بیان نمود که با وجود قرار داشتن ۱۶ استان در حاشیه مرزها که جمعیتی بالغ بر ۴۰ میلیون نفر را در بردارد عدم سرمایه‌گذاری‌های مناسب در حوزه عمران و ساخت‌وساز و عدم وجود صنایع اشتغال‌زا و تمرکز بیشتر بر سرمایه‌گذاری‌ها در برخی از مناطق داخلی کشور سبب مهاجرت اجباری هزاران نفر به داخل کشور شده است. این توزیع نامتوازن فرصت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر در زمینه ایجاد نمودن صنایع مختلف و اشتغال در استان‌های مرزی نه تنها باعث افزایش روند مهاجرت داخلی شده است بلکه سبب شده تا از سویی دیگر جمعیت باقی‌مانده در این استان‌ها کمتر از فرصت‌های سرمایه‌گذاری برخوردار شوند تا از این طرق بیکاری بالا و نبود فرصت شغلی خود را جبران نمایند. کمبود امکانات، ضعف در زیرساخت‌های رفاهی، توسعه‌نیافتگی و محدودیت‌های شغلی در نواحی مرزی نشان‌دهنده عدم توزیع متوازن و متعادل امکانات در مقایسه با سایر کلان‌شهرهایی مانند تهران، مشهد و البرز ... است؛ بنابراین مدیریت باید در این مناطق

به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد تا مردم بتوانند از طریق زیرساخت‌های عمرانی شکوفایی اقتصادی پویایی آن را درک نمایند. در نهایت توجه به امر بهسازی و آسفالت راه‌های مرزی، بهره‌برداری از شبکه‌ها بر ق، استفاده مناسب از اراضی کشاورزی و بهره‌برداری از شبکه‌های آبدهی و زهکشی و ... می‌توان به تقویت توان عمرانی نواحی مرزی کمک بسزایی نماید و از این طریق سبب گرد تا مناطق مرزی از انزوا خارج شده و در ارتباط با مناطق مرکزی قرار گیرند و از سویی دیگر از طریق رشد و توسعه طرح‌های عمرانی در مناطق مرزی سبب تعادل عدالت اجتماعی و فضایی می‌شود؛ بنابراین توجه به ابعاد مدیریتی در این مؤلفه از اهمیت برخوردار است.

۴- مدیریت امنیتی-سیاسی مرز: در برخی کشورها برای حفظ و گسترش امنیت مناظر مرزی به راهکارهای نظامی گرایانه روی آورده و سعی نموده‌اند که امنیت مرزها را از طریق تقویت نیروهای نظامی مستقر در مرزها و کنترل‌های شدید امنیتی برقرار نمایند (حمزه پور، ۱۳۹۶: ۱۰۶). در این ارتباط می‌توان به طرح انسداد مرزها که توسط دولت آمریکا در ۶۷۰ مایل با کشور مکزیک انجام می‌گیرد، اشاره کرد. مرزی که به دلیل مهاجران بسیار غیرقانونی، جرائم سازمان‌بافته، قاچاق مواد مخدوش، تروریسم و ... به گونه‌ایی تهدیدی برای امنیت ملی و بهویژه امنیت اجتماعی آمریکایی‌ها بدل شده است. طرح انسداد مرزی بین آمریکا و مکزیک به معنای مسدود کردن تمام مرز نیست، به معنی کنترل و هدایت صحیح و ساماندهی امور مرزی است (طیب نیا، ۱۳۹۴: ۹۸). البته باید به این نکته نیز اشاره نمود که مدیریت امنیتی-سیاسی مرز در کشورهای مختلف چندان موقفيت‌آمیز نبوده و به عنوان آخرین راهکار جهت کنترل و مدیریت مرزها در نظر گرفته می‌شود. از جمله این اقدامات می‌توان به مواردی مانند انسداد فیزیکی مرز، تقویت نیروهای مرزی و تشکیل یگان‌های نظامی، کنترل نرم‌افزاری مرزها و ... اشاره نمود.

۵- مدیریت تلفیقی مرز: مدیریت تلفیقی مرز نگاهی چندبعدی به مرزها دارد و امنیت مرز را به صورت تلفیقی مدنظر قرار می‌دهد. در واقع این نوع از مدیریت مرزی نگرشی ترکیبی را دارا می‌باشد و جنبه‌های فرucht و تهدید را به شکل همه‌جانبه در نظر دارد و بیان می‌کند که مناطق مرزی دارای ظرفیت مناسبی برای توسعه و تولید قدرت یک سازه سیاسی-فضایی هستند (پیشگاهی فرد، ۱۳۹۰: ۱۱۰). از جمله این موارد می‌توان به انجام مطالعات در جهت شناخت مشکلات و مسائل مناطق مرزی و نیز توان و منابع محلی و منطقه‌ای، استفاده از مدیریت‌های استانی و محلی و افزایش نصب مدیران بومی و آشنا به ظرفیت‌های منطقه، مقابله با تهدیدها، ارائه سیاست‌ها و راهکارهای سیاستی، اقتصادی، فرهنگی و توسعه منطقه‌ای و ... اشاره نمود جدول (۲).

جدول (۲). شاخص‌های مؤثر در مدیریت مرزها

شاخص	کد	مؤلفه
نظاممند ساختن مبادلات تجاری در مناطق مرزی	ECO1	مدیریت اقتصادی
افزایش و توأم‌نمودسازی بازارچه‌های مرزی	ECO2	
گسترش معابر و گلوبال‌های تجاری و ارتباطی به طور رسمی در مناطق مرزی	ECO3	
ایجاد نهادهای تجاری و بازارگانی رسمی میان کشورهای مجاور	ECO4	
اصلاح قوانین گمرکی و کاهش عوارض گمرکی متناسب با کشورهای مجاور	ECO5	
تزریق بودجه‌های جهشی جهت ایجاد زیرساخت‌های لازم توسعه مانند، راه، فرودگاه و صنایع تبدیلی	ECO6	
حمایت از کسبوکارهای کوچک محلی و بومی در مناطق مرزی	ECO7	
گسترش ارتباطات و شبکه‌های زیربنایی و خدمات اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی	SOC1	مدیریت اجتماعی-فرهنگی
کاهش حساسیت‌های قومی و فرهنگی در مناطق مرزی و تقویت هویت ملی نهاد	SOC2	
استفاده از امکانات موجود در منطقه و مشارکت دادن اهالی مرزنشینان در برنامه‌های اداره مرزی	SOC3	
برقراری روابط مسالمت‌آمیز با کشورهای پیرامونی و گسترش دوستی میان مرزنشینان دو طرف مرز	SOC4	
گسترش امنیت فرهنگی و اجتماعی در نواحی مرزی و ایجاد جو اعتمادسازی نسی مرزنشینان به حکومت	SOC5	
تلاش در جهت کاهش فاصله طبقاتی در این مناطق و افزایش رفاه عمومی	SOC6	
خارج ساختن مناطق مرزی از انزوا و آجرای طرح احیا و توسعه مناطق محروم	DEV1	مدیریت عمرانی
بهسازی و آسفالت راههای مرزی	DEV2	
برنامه‌ریزی و سازمان دادن انسان، فضا و فعالیت	DEV3	
ایجاد شبکه‌های قوی توزیع خدمات از مرکز به‌سوی مناطق مرزی	DEV4	
بهره‌برداری از شبکه‌های برق	DEV5	
بهره‌برداری از شبکه‌های آبدهی و زهکشی	DEV6	
استفاده مناسب از اراضی کشاورزی	DEV7	
اجرای طرح آمایش سرزمهین و آمایش دفاعی در مناطق مرزی	POL1	مدیریت امنیتی-نظمی
انسداد فیزیکی مرز	POL2	
تقویت نیروهای مرزی و تشکیل یگان‌های نظامی	POL3	
افزایش پست‌های ایست و بازرسی	POL4	
کنترل نرم‌افزاری مرزها	POL5	
استفاده از ظرفیت مرزنشینان در امنیت مرزها	POL6	
مطالعه و شناخت موقعیت جغرافیایی و شرایط فضایی مناطق مرزی	COM1	مدیریت تلفیقی
ایجاد شرایط و فضای مناسب و امن با فرایندهای کارکردی و حمایت نیروهای نظامی و انتظامی	COM2	
تعیین و مشخص نمودن تهدیدهای و شناسایی ریشه‌ها و عوامل آن	COM3	
تعیین و مشخص نمودن فرصت‌ها و شناسایی عوامل باروری آن‌ها	COM4	
مقابله با تهدیدهای ارائه سیاست‌ها و راهکارهای سیاستی، اقتصادی، فرهنگی و توسعه منطقه‌ای	COM5	
استفاده از مدیریت‌های استانی و محلی و افزایش نصب مدیران بومی و آشنا به ظرفیت‌های منطقه	COM6	
انجام مطالعات در جهت شناخت مشکلات و مسائل مناطق مرزی و نیز توان و منابع محلی و منطقه‌ای	COM7	

منبع: نگارندگان

اهمیت شاخص‌ها با استفاده از ضریب توافق کنдал

جهت بررسی و نهایی نمودن عوامل و شاخص‌های شناسایی شده در ارتباط با موضوع تحقیق که در روش دلفی به دست آمد از ضریب توافق کنдал بهره گرفته شد. این ضریب در واقع بیان می‌کند خبرگان واقعی k هستند که ما دارای k رتبه می‌باشیم بنابراین قادر هستیم تا با به کار بردن این ضریب توافق کنдал w میزان همبستگی

رتبه‌ای بین آن‌ها را به درستی به دست آوریم. در حالی که t_s و τ نشان‌دهنده درجه ارتباط بین دو متغیر می‌باشد w نشان‌دهنده میزان همبستگی میان k متغیر است. این مقیاس در واقع بیشتر در مطالعات مرتبط با قابلیت اطمینان یا پایایی داوران پایایی بین آزمون‌ها و در مطالعات خوش‌های متغیرهای به کار گرفته می‌شود محاسبه w کندال به شرح رابطه (۱) می‌باشد:

$$W = \frac{S}{\frac{1}{12}K^2(N^3 - N) - K \sum T} \quad \text{رابطه (۱)}$$

$$T = \frac{\sum(t^3 - t)}{12}$$

$$S = \sum \left[R_j - \frac{\sum R_j}{N} \right]^2$$

رابطه (۱)، آزمون کندال به ما نشان می‌دهد که بین پاسخ افراد چه مقدار هماهنگی وجود دارد و نظرات افراد چقدر مشابه بوده است. به همین علت برای جمع‌بندی روش دلفی که از افراد نظرسنجی می‌کند، این آزمون مناسب است. ضریب کندال که با حرف اختصاری w هم نمایش داده می‌شود، همواره عددی بین ۰ و ۱ است. اگر مساوی با ۰ شود به این معناست که نظرات کاملاً متفاوت بوده است و اگر مساوی با ۱ شود یعنی نظرات افراد کاملاً شبیه به هم بوده است؛ بنابراین، هر قدر مقدار w به ۱ نزدیک‌تر باشد بهتر است. در جدول (۳)، نتایج آزمون کندال نشان می‌دهد که ضریب w (خانه نارنجی‌رنگ) برابر با ۰،۰۵ است. همچنین، مقدار sig (خانه آبی‌رنگ) کوچک‌تر از ۰،۰۵ بوده و بنابراین معناداری آزمون تأیید می‌شود.

جدول (۳). نتایج آزمون کندال

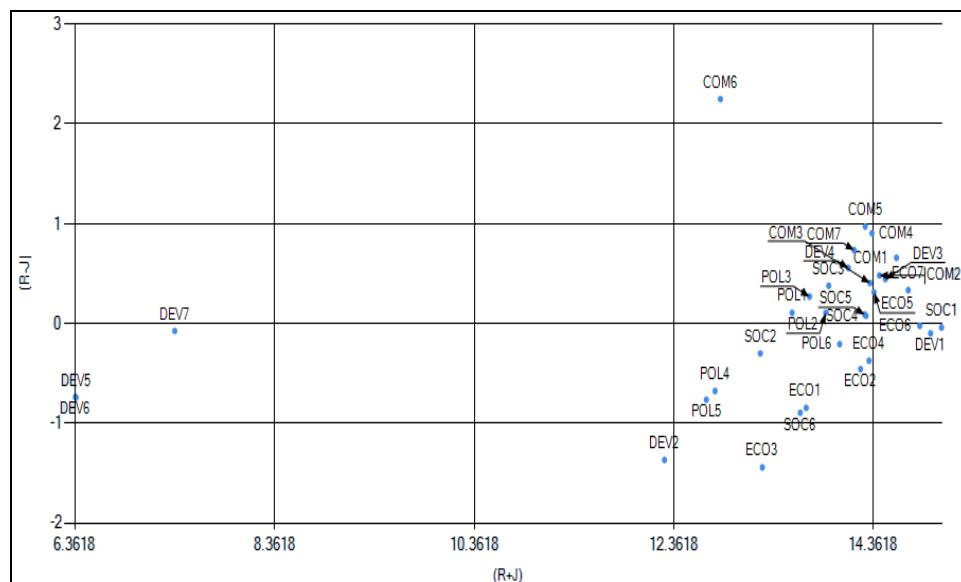
Test Statistics	
29	N
.205	Kendall's W ^a
190.096	Chi-Square
32	Df
.000	Asymp. Sig.
a. Kendall's Coefficient of Concordance	

میزان تأثیر و تأثیر شاخص‌ها با استفاده از روش سیستمی دیمتل بررسی مدیریت مرزاها بر اساس ۳۳ معیار و شاخص مطابق جدول (۴) پرداخته شد. برای بررسی معیارها از نظر ۶ خبره استفاده شده است. میزان اهمیت شاخص‌ها ($J_i + R_i$) و رابطه بین معیارها ($J_i - R_i$) مشخص می‌گردد. اگر $J_i - R_i > D_i + R_i$ باشد معیار مربوطه اثرگذار و اگر $J_i - R_i < D_i + R_i$ باشد معیار مربوطه اثرپذیر است. جدول (۴)، $J_i - R_i$ و $D_i + R_i$ را نشان می‌دهد. شکل (۱) میزان اهمیت و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین معیارها را نشان می‌دهد. بردار افقی ($J + R$) میزان تأثیر و تأثیر عامل موردنظر در سیستم است. به عبارت دیگر

هرچه مقدار $R + J$ عاملی بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با سایر عوامل سیستم دارد. متغیرهایی مانند تعیین و مشخص نمودن فرصت‌ها و شناسایی عوامل باروری آن‌ها، مطالعه و شناخت موقعیت جغرافیایی و شرایط فضایی مناطق مرزی، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک محلی و بومی در مناطق مرزی، گسترش ارتباطات و شبکه‌های زیربنایی و خدمات اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی، برنامه‌ریزی و سازمان دادن انسان، فضا و فعالیت، خارج ساختن مناطق مرزی از انزوا و اجرای طرح احیا و توسعه مناطق محروم، تزریق بودجه‌های جهشی جهت ایجاد زیرساخت‌های لازم توسعه مانند، راه، فرودگاه و صنایع تبدیلی و مناطق آزاد تجاری و اصلاح قوانین گمرکی و کاهش عوارض گمرکی متناسب با کشور مجاور جهت سهولت در امر مبادلات تجاری کالا در منطقه نشان‌دهنده تعامل بالا و ارتباط سیستمی قوی با سایر متغیرها هستند. از سویی دیگر همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد بردار عمودی ($R - J$) قدرت تأثیرگذاری هر عامل را نشان می‌دهد. متغیر تعیین و مشخص نمودن فرصت‌ها و شناسایی عوامل باروری آن‌ها، مطالعه و شناخت موقعیت جغرافیایی و شرایط فضایی مناطق مرزی، مقابله با تهدیدها، ارائه سیاست‌ها و راهکارهای سیاستی، اقتصادی، فرهنگی و توسعه منطقه‌ای با حمایت و پشتیبانی نیروهای نظامی و امنیتی، استفاده از مدیریت‌های استانی و محلی و افزایش نصب مدیران بومی و آشنا به ظرفیت‌های منطقه، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک محلی و بومی در مناطق مرزی، برنامه‌ریزی و سازمان دادن انسان، فضا و فعالیت، انجام مطالعات در جهت شناخت مشکلات و مسائل مناطق مرزی و نیز توان و منابع محلی و منطقه‌ای، ایجاد شرایط و فضای مناسب و امن با فرایندهای کارکردی و حمایت نیروهای نظامی و انتظامی در باروری ظرفیت‌ها و کارکردهای مرز، تعیین و مشخص نمودن تهدیدها و شناسایی ریشه‌ها و عوامل آن، اصلاح قوانین گمرکی و کاهش عوارض گمرکی متناسب با کشور مجاور جهت سهولت در امر مبادلات تجاری کالا در منطقه و ... علت این مدل سیستمی محسوب می‌شوند؛ و عواملی مانند گسترش ارتباطات و شبکه‌های زیربنایی و خدمات اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی، خارج ساختن مناطق مرزی از انزوا و اجرای طرح احیا و توسعه مناطق محروم، تزریق بودجه‌های جهشی جهت ایجاد زیرساخت‌های لازم توسعه مانند، راه، فرودگاه و صنایع تبدیلی و مناطق آزاد تجاری، ایجاد نهادهای تجاری و بازارگانی رسمی میان کشورهای مجاور، استفاده از ظرفیت مرزنشینان در امنیت مرزها، افزایش و توانمندسازی بازارچه‌های مرزی، نظاممند ساختن مبادلات تجاری در مناطق مرزی، کاهش حساسیت‌های قومی و فرهنگی در مناطق مرزی و تقویت هویت ملی نهاد و ... به عنوان معلول نمایش داده شده است. به طور کلی اگر $R - J$ مثبت باشد، متغیر یک متغیر علی محسوب می‌شود و اگر منفی باشد، معلول محسوب می‌شود.

جدول (۴). محاسبه روابط میان شاخص‌های مدیریت مرزها

R-J	R+J	J	مجموع ستونی R	شاخص
۰.۹۰۳۳	۱۴.۳۴۷۱	۶.۷۲۱۹	۷.۶۲۵۲	COM4
۰.۶۵۷۷	۱۴.۵۹۲۷	۶.۹۶۷۵	۷.۶۲۵۲	COM1
۰.۹۷۰۴	۱۴.۲۸	۶.۹۵۴۸	۷.۶۲۵۲	COM5
۲.۲۴۷۶	۱۲.۸۲۸۶	۵.۲۹۰۵	۷.۵۳۸۱	COM6
۰.۳۳۳۱	۱۴.۷۱	۷.۱۸۸۴	۷.۵۲۱۶	ECO7
-۰.۰۴۱۲	۱۵.۰۴۳۷	۷.۵۴۲۵	۷.۵۰۱۳	SOC1
-۰.۴۴۴۱	۱۴.۴۸۱۴	۷.۰۱۸۷	۷.۴۶۲۷	DEV3
-۰.۷۳۳۵	۱۴.۱۶۸۴	۶.۷۱۷۵	۷.۴۵۱	COM7
-۰.۴۷۹۹	۱۴.۴۲۲	۶.۹۷۱	۷.۴۵۱	COM2
-۰.۱۰۰۱	۱۴.۹۳۴۱	۷.۰۱۷۱	۷.۴۱۷	DEV1
-۰.۰۲۳۷	۱۴.۸۲۵۹	۷.۴۲۴۸	۷.۴۰۱۱	ECO6
-۰.۴۰۴۴	۱۴.۳۲۶۸	۶.۹۶۱۲	۷.۳۶۵۶	COM3
-۰.۳۱	۱۴.۳۶۷۵	۷.۰۲۸۳	۷.۳۳۹۳	ECO5
-۰.۵۵۵۲	۱۴.۱۱۰۳	۶.۷۷۶۸	۷.۳۳۲۸	DEV4
-۰.۰۷۶۲	۱۴.۲۸۸	۷.۱۰۵۹	۷.۱۸۲۱	SOC4
-۰.۰۸۸	۱۴.۲۷۳۵	۷.۰۹۲۴	۷.۱۸۱	SOC5
-۰.۳۷۶۵	۱۳.۹۱۴۱	۶.۷۶۸۸	۷.۱۴۵۳	SOC3
-۰.۱۰۵۶	۱۳.۸۸۳۶	۶.۸۸۹	۶.۹۹۴۶	POL2
-۰.۲۶۸۳	۱۳.۷۷۰۹	۶.۷۲۶۳	۶.۹۹۴۶	POL3
-۰.۳۷۴	۱۴.۳۱۷۷	۷.۳۴۵۸	۶.۹۷۱۸	ECO4
-۰.۲۰۸	۱۴.۰۲۳	۷.۱۱۵۵	۶.۹۰۷۵	POL6
-۰.۴۵۸۶	۱۴.۲۳۳۱	۷.۳۴۵۸	۶.۸۸۷۳	ECO2
-۰.۱۰۵۹	۱۳.۵۴۶۷	۶.۷۲۰۴	۶.۸۲۶۳	POL1
-۰.۳۰۱۲	۱۳.۲۲۸۹	۶.۷۶۰۱	۶.۴۶۳۹	SOC2
-۰.۸۴۶۸	۱۳.۶۸۸	۷.۲۶۷۴	۶.۴۲۰۶	ECO1
-۰.۸۴۶۱	۱۳.۶۲۸۷	۷.۲۶۲۴	۶.۳۶۶۳	SOC6
-۰.۹۷۷۷	۱۲.۷۷۴۸	۶.۷۲۶۳	۶.۰۴۸۶	POL4
-۰.۷۹۴۸	۱۲.۶۸۷۷	۶.۷۲۶۳	۵.۹۶۱۴	POL5
-۱.۴۴۳۲	۱۳.۲۴۸۵	۷.۳۴۵۸	۵.۹۰۲۷	ECO3
-۱.۳۶۸۷	۱۲.۲۶۸۵	۶.۸۱۸۴	۵.۴۴۹۹	DEV2
-۰.۰۷۶۴	۷.۳۶۰۴	۳.۷۱۸۴	۳.۶۴۲	DEV7
-۰.۷۴۲۸	۶.۳۷۱۶	۳.۰۵۷۲	۲.۸۱۴۴	DEV5
-۰.۷۳۷۹	۶.۳۶۶۷	۳.۰۵۲۳	۲.۸۱۴۴	DEV6



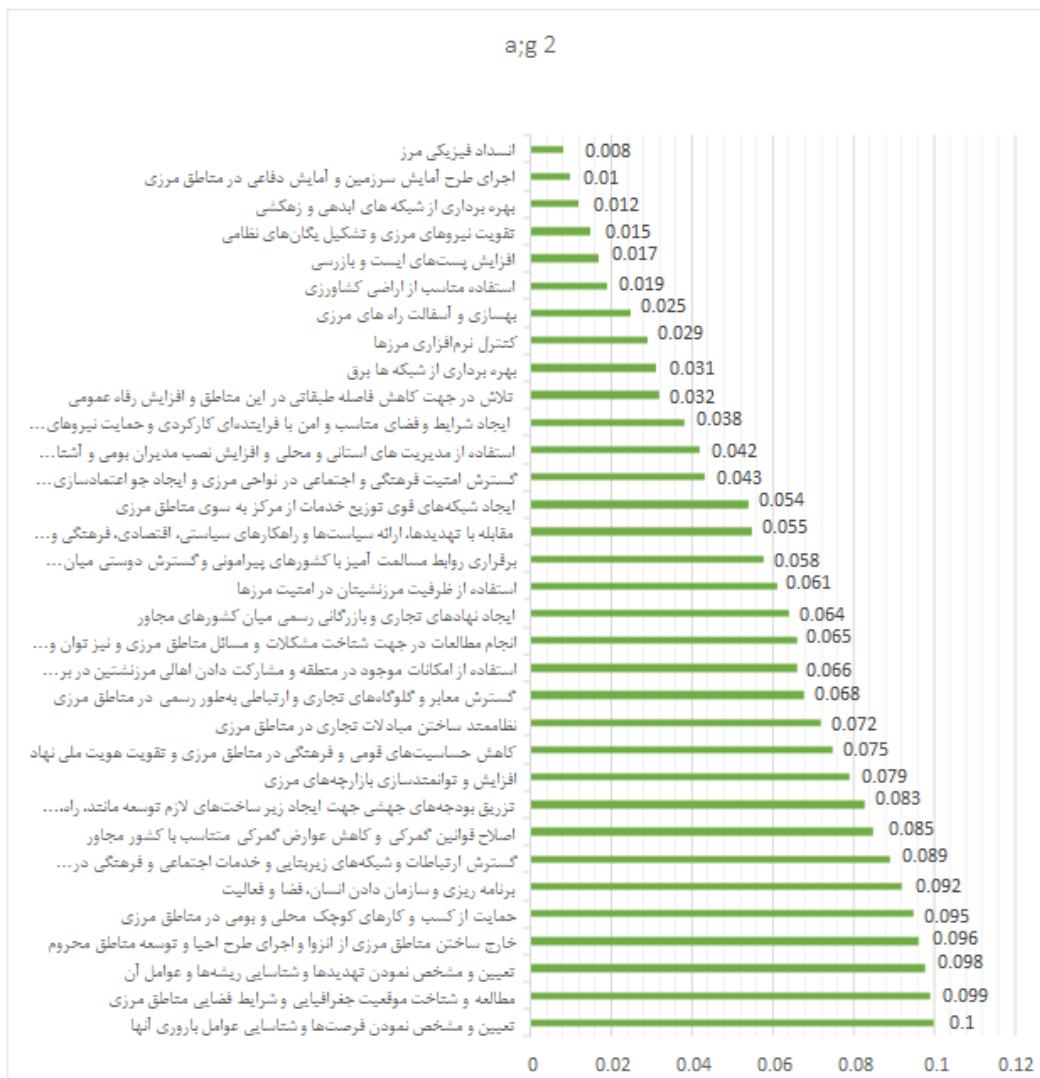
شكل (١). روابط على و معلول، بين شاخص‌ها

شکل (۱) نیز بیانگر این موضوع است که اغلب شاخص‌های موردنظر در بازه ۰ تا ۱ قرار دارند و به صورت شاخص‌های تأثیرگذار که دارای روابط علت و معلولی قوی در سیستم تحلیل موردنظر هستند می‌باشند. شاخص‌هایی که در بازه ۰ تا ۱- هستند اغلب شاخص‌های تأثیرپذیر می‌باشند که به عنوان معلول در این نگرش سیستمی، در نظر گرفته شده‌اند.

فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی ماتریس مقایسات زوجی

این رویکرد نظر بسیاری از علاقهمندان در حوزه‌های مطالعاتی علوم اجتماعی را به خود جلب نمود. این تکنیک در راستای تعیین نمودن اهمیت نسبی هر یک از متغیرها بر اساس معیار موردنظر به کار گرفته می‌شود. در این پژوهش پرسش اصلی بدین صورت مطرح شد که مهمترین عامل مؤثر بر مدیریت مناطق مرزی کدام‌ها هستند؟ رتبه‌بندی بر اساس ماتریس‌های به دست آمده نشان می‌دهد که توجه به عوامل ترکیبی و همچنین اقتصادی و اجتماعی از جمله تعیین و مشخص نمودن فرصت‌ها و شناسایی عوامل پاروری آن‌ها، مطالعه و شناخت موقعیت جغرافیایی و شرایط فضایی مناطق مرزی، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک محلی و بومی در مناطق مرزی، گسترش ارتباطات و شبکه‌های زیربنایی و خدمات اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی، برنامه‌ریزی و سازمان دادن انسان، فضا و فعالیت، خارج ساختن مناطق مرزی از انزوا و اجرای طرح احیا و توسعه مناطق محروم، تزریق بودجه‌های جهشی جهت ایجاد زیرساخت‌های لازم توسعه مانند، راه، فرودگاه و صنایع تبدیلی و مناطق آزاد تجاری، اصلاح قوانین گمرکی و کاهش عوارض گمرکی متناسب با کشور مجاور جهت سهولت در امر مبادلات تجاری کالا، افزایش و توامندسازی بازار چههای مرزی، نظام‌مند ساختن مبادلات تجاری در مناطق مرزی، کاهش حساسیت‌های قومی و فرهنگی در مناطق مرزی و تقویت هویت ملی نهاد دارای

بیشترین وزن هستند که این امر نشان‌دهنده تأثیرگذاری بالای این عوامل بر مدیریت مرزی می‌باشد که باید مورد توجه قرار گیرد. از سویی دیگر عوامل امنیتی مانند انسداد فیزیکی مرزها، پست‌های ایست و بازرگانی و ... دارای کمترین وزن هستند این امر نشان‌دهنده این موضوع است که از دیدگاه صاحب‌نظران ما باید به مدیریت مرزها نگاهی تلفیقی داشته باشیم تا بتوانیم به اهداف موردنظر که همانا تأمین امنیت و بهبود زندگی مرزنشینان است نائل آییم شکل (۲).

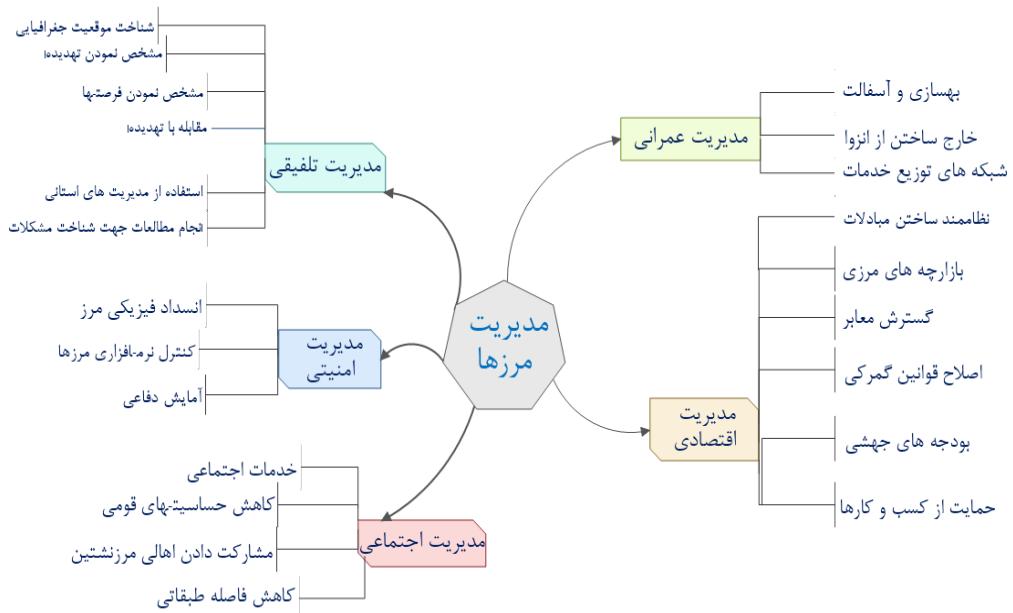


شکل (۲). رتبه‌بندی شاخص‌ها بر اساس میزان اهمیت

تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

بررسی موضوع مدیریت مرزها می‌تواند به تحقق اهداف و برنامه‌های توسعه زیربنایی یک کشور کمک بسیاری نماید. اغلب به بعد مدیریتی به صورت یک جانبه نگریسته می‌شود در حالی که موضوع مدیریت امری چندبعدی

می‌باشد. در واقع در عصر جهانی‌شدن نمی‌توان تنها به مرز نگاه امنیتی داشت زیرا ما در عصر اطلاعات و ارتباطات قرار داریم و فرایند جهانی‌شدن بر موضوعات و ابعاد مختلف مدیریت مرزی مانند مدیریت اجتماعی-فرهنگی مردم و تأثیرات سرمایه انسانی بر کنترل و مدیریت مرزها قابل مشاهده می‌باشد. در واقع مرزها در جهان امروز به صورت دوطرفه کشورهای همسایه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و باعث می‌شود تا مقوله مدیریت مرزی برای بمبود روابط بین کشورها به موضوع مهمی تبدیل گردد؛ و این موضوع خود به عنوان عاملی جهت افزایش تنش یا همکاری بین همسایگان در یک منطقه ژئوپلیتیکی تبدیل شود. به عنوان مثال در بحث انسداد فیزیکی تنها با بستن مرز نمی‌توان به اهداف امنیتی نائل شد بلکه باید زندگی، معیشت و رفاه ساکنان مرزی را نیز تأمین نمود تا به صورت مکمل از این عوامل بتوان برای برقرار و افزایش امنیت سود برد. برای همین تلاش نمودیم تا در این مطالعه با انتخاب یک جامعه آماری متخصص مهم‌ترین شاخص‌های مدیریت مرزی را تدوین و تهیه نماییم. یافته‌های پژوهش نشان داد که در بخش اصلی تحقیق ما دارای پنج بعد اصلی اقتصادی، امنیتی، عمرانی، اجتماعی-فرهنگی و تلفیقی هستیم. مهم‌ترین بخش پژوهش تمرکز بر ابزار تحقیق و استخراج شاخص‌های مرتبط با هر بعد بوده است که در نهایت ۳۳ شاخص اصلی شناسایی شد؛ و پس از انجام مقایسات زوجی، نرمال‌سازی، محاسبه ضریب سازگاری، وزن دهی، رتبه‌بندی و اولویت‌بندی شاخص‌ها انجام شد. شاخص‌هایی از جمله تعیین و مشخص نمودن فرصت‌ها و شناسایی عوامل باروری آن‌ها (۰,۱)، مطالعه و شناخت موقعیت جغرافیایی و شرایط فضایی مناطق مرزی (۰,۰۹۹)، تعیین و مشخص نمودن تهدیدها و شناسایی ریشه‌ها و عوامل آن (۰,۰۹۸) و خارج ساختن مناطق مرزی از انزوا (۰,۰۹۶) دارای بیشترین وزن هستند. کم‌همیت‌ترین شاخص‌ها نیز شامل انسداد فیزیکی مرز (۰,۰۰۸)، اجرای طرح آمایش سرزمین و آمایش دفاعی در مناطق مرزی (۰,۰۰۱)، بهره‌برداری از شبکه‌های آبدی و زهکشی (۰,۰۱۲) هستند. از نتایج تحقیق می‌توان این‌گونه استنباط نمود که شاخص‌های موجود در رویکرد تلفیقی در مدیریت مرزها به دلیل داشتن نگاهی همه‌جانبه، کلی‌نگر و چندبعدی نسبت به سایر شاخص‌ها از برتری قابل قبول برخوردار می‌باشد. این امر به این دلیل است که تاکنون مدیریت مرزها به صورت امنیتی و داشتن نگاه سیاسی صرف به مرزها در کشورها و مناطق مختلف جهان با شکست روبرو شده است. البته داشتن نگاه تک‌بعدی در زمینه توسعه و عمران مرزها نیز بدون در نظر گرفتن امنیت در این مناطق محکوم به شکست خواهد بود بنابراین نگاه به مرز باید با رویکردی تلفیقی همه‌جانبه صورت گیرد تا بتوان علاوه بر تأمین امنیت مرزها روند توسعه و پیشرفت در زندگی و امور زیرساختی مناطق مرزی را نیز به خوبی فراهم آورد. در شکل (۳) به سطح‌بندی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مدیریت مرزی که بیشترین وزن مرتبط با شاخص‌های مدیریت تلفیقی است بدین شرح پرداختیم:



شکل (۳). سطح‌بندی مهم‌ترین شاخص‌های مدیریت مرزی

اما راهبردهایی که می‌توان از این پژوهش استخراج نمود بدین صورت است:

- مدیران رده‌بالا باید به مدیریت مرزها با رویکردی تلفیقی بنگرند و بسیاری از قوانین و آیین‌نامه‌ها را بر این منوال تصویب و تدوین نمایند.
- زمینه‌های جهت افزایش همکاری و هماهنگی بین سازمان‌های حکومت مرکزی و مناطق مرزی جهت افزایش مشارکت ساکنین و همچنین استفاده از مدیران بومی در این مناطق انجام گیرد.
- سازمان‌های مرکزی باید تلاش نمایند تا سناریوهایی متناسب با شرایط این مناطق جهت مدیریت صحیح و کارآمد تدوین نمایند.
- باید تلاش گردد تا میزان سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در این مناطق با کاهش قوانین گمرکی و تسهیل روند مبادلات کالاهای و خدمات در دو طرف مرز افزایش یابد.
- توجه به مدیریت و توسعه مرزها در برای طرح‌های آمایش سرزمینی کشور قرار گیرد.

منابع

- افراخته، حسن، ریاحی، وحید، جلالیان، حمید، سرائی، سودابه. (۱۳۹۵). ارزیابی عدالت فضایی در توزیع خدمات روستایی شهرستان‌های استان اصفهان، فصلنامه آمایش سرزمین، ۸(۱): ۸۱-۵۷.
- بداری، سید علی، دربان، علیرضا، سعدی، سیما. (۱۳۹۶). تأثیر بازارچه‌های مرزی بر ارتقاء شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی مناطق روستایی مرزنشین مطالعه موردی: مرز باشماق مریوان، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، ۷ (۳) (پیاپی ۲۶).

- پیشگاهی فرد، زهرا، میرزاده، مهدی (۱۳۹۰). تبیین موانع مدیریت بهینه مرزهای جمهوری اسلامی ایران و پاکستان، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ۹ (۳۵).
- حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد. انتشارات پاپلی.
- حمزه پور، رزگار، فخری، سیروس. (۱۳۹۶). تحلیلی بر نقش بازارچه‌های مشترک مرزی در ارتقای امنیت مناطق مرزنشین (مطالعه موردی بازارچه‌های مرزی سردهشت و پیرانشهر)، *فصلنامه مدیریت نظامی*، ۱۷ (۵).
- درايسدل، آلاسداير و جرالد اچ بلیک. (۱۳۷۳). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*. ترجمه دره میر حیدر، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- زرقانی، سید هادی. (۱۳۹۲). *بررسی شیوه‌ها و سیاست‌های مدیریت مرزها و نقش آن در امنیت مرز*. نمونه موردی: مرزهای شرقی خراسان رضوی، *فصلنامه جغرافیای و توسعه ناحیه‌ای*، ۱۱ (۲۰): ۱۳۹-۱۲۴.
- کریمی پور، یدالله. (۱۳۷۹). *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان*. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
- لطفى، امین. (۱۳۹۰). *بررسی شیوه‌ها و سیاست‌های کنترل مرز*. نمونه موردی: خراسان رضوی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- طیب نیا، سید هادی، محمدی، سعدی، منوچهری، سوران. (۱۳۹۴). تحلیلی بر تأثیر انسداد مرزها بر امنیت پایدار نواحی روستایی پیرامون (مطالعه موردی: روستاهای مرزی شهرستان مریوان)، *برنامه‌ریزی و آمایش فضایی*، ۲۰ (۱).
- قالیباف، محمد باقر، یاری، اسلام، رمضان زاده، مهدی. (۱۳۸۷). *تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر امنیت مرزها*. مطالعه موردی: بخش مرزی نوسود شهرستان پاوه استان کرمانشاه، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۴ (۲).
- مجتبه‌زاده، پیروز. (۱۳۸۵). *جزوه منتشر نشده درس نظریه‌ها و مفاهیم ژئوپلیتیک*. دانشگاه تربیت مدرس.
- میر حیدر، دره. (۱۳۸۰). *مبانی جغرافیای سیاسی*. تهران: انتشارات سمت.
- میر لطفی، محمود رضا، علوی زاده، سید امیر محمد، هدایتی، خورشید. (۱۳۹۴). *بررسی انسجام اجتماعی در حفظ امنیت مرزی با تأکید بر تنوع قومی - مذهبی* مطالعه موردی: شهرستان زابل، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۵ (۱۹).
- یاسوری، مجید، امامی، سیده فاطمه، سجادی، مریم. (۱۳۹۵). *عدالت فضایی بهره‌مندی از امکانات و خدمات در سکونتگاه‌های روستایی دهستان‌های استان گیلان*. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۶ (۴۱).
- یغفوری، حسین، قاسمیف سجاد، قاسمی، نرگس. (۱۳۹۶). *بررسی عدالت فضایی در توزیع خدمات، با تأکید بر مدیریت شهری مطالعه موردی: محلات منطقه ۱۹ تهران*. *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۳۲ (۳).
- Adey P (2009) *Facing airport security: Affect, biopolitics, and the preemptive securitisation of the mobile body*. Environment and Planning D: Society and Space 27(2): 274–295
- Amoore L (2009) *Algorithmic war: Everyday geographies of the war on terror. Antipode: A Radical Journal of Geography* 41(1): 49–69.
- Anderson, Malcolm and Eberhard Bort (2001) *The frontiers of the European Union* (New York: Palgrave)

- Aalto, P. S. Dalby, and V. Harle, (2003). **The Critical Geopolitics of Northern Europe: Identity Politics Unlimited**, *Geopolitics* 8/1 (2003): 1–19; W. Walters, *The Frontiers of the European Union: A Geostrategic Perspective*, *Geopolitics* 9/3 (2004) pp. 674–698; Zaiotti (note 2); Laitinen (note 8).
- Agnew, J (1994). **The territorial trap: the geographical assumptions in international relations theory**. *Review of International Political Economy*, 1 (1): 53–80.
- Andreas P (2009). **Border Games: Policing the U.S.–Mexico Divide**, 2nd edn. Ithaca, NY and London: Cornell University Press.
- Aas KF (2011). **Crimmigrant' bodies and bona fide travelers: Surveillance, citizenship and global governance**. *Theoretical Criminology* 15(3): 331–346
- Bigo D (2007) **Detention of foreigners, states of exception, and the social practices of control of the banopticon**. In: Rajaram PK and Grundy-Warr C (eds) *Borderscapes: Hidden Geographies and Politics at Territory's Edge*. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press, pp. 3–33.
- Elias, N., (1994). **The established and the outsiders**. London: Sage. (Originally published 1965).
- Cowen D and Smith N (2009) **After geopolitics? From geopolitical social to geoeconomics**. *Antipode* 41(1): 22– 48
- Côté-Boucher K (2010) **Risky business? Border preclearance and the securing of economic life in North America**. In: Braedley S and Luxton M (eds) *Neoliberalism and Everyday Life*. Montreal: McGillQueen's, pp. 37–67.
- Côté-Boucher, Karine, Infantino, Federica, Mark B. Salter (2014). **Border security as practice: An agenda for research**, *Security Dialogue* 2014, Vol. 45(3): 195–208, DOI: 10.1177/0967010614533243.
- Dufaux, F. (2008). **Birth Announcement, Justice Spatial/Spatial justice**, www.jssj.org.
- Guo, Rongxing (2014). **Cross-Border Management Theory**, Method and Application, ISBN 978-3-662-45155-7 ISBN 978-3-662-45156-4 (eBook), DOI 10.1007/978-3-662-45156-4. Springer Berlin Heidelberg Dordrecht London.
- Kolossov, Vladimir, Scott, James (2013). **Selected conceptual issues in border studies**, Société Royale Belge de Géographie URL: <http://belgeo.revues.org/10532>, DOI: 10.4000/belgeo.10532, ISSN: 2294-9135
- Heinesson, (2009). **Accreditation and Border Management**. Available:www.Kghborderservices.com.
- Haughton, G., Counsell, D. (2004). **Regions, Spatial Strategies and Sustainable Development** ed, London, Routledge.
- Martnez, J. (2005). **monitors intra-urban inequalities with GIS-based indicators: With a case study in Rosario**, Argentina. Utrecht University.
- Manuel, Jennifer (2016). **Social and Spatial Justice: Grassroots Community Action**. CHI'2016. San Jose, CA, USA.
- MWUD (2014). **The Merriam-Webster unabridged dictionary**. Merriam-Webster, Inc, Springfield. <http://www.merriam-webster.com/dictionary/border>. Accessed 2 Feb 2014.
- N. Megoran, G. Raballand, and J. Bouyjou, (2005). **Performance, Representation and the Economics of Border Control in Uzbekistan**, *Geopolitics* 10/4 (2005) pp. 712–740; Bialasiewicz et al. (note 9).
- Nevins J (2010). **Operation Gatekeeper and Beyond: The War On 'Illegals' and the Remaking of the U.S.–Mexico Boundary**. New York: Routledge

- Nyers P (2011) No one is illegal between city and nation. *Studies in Social Justice* 4(2): 127–143. Parker N and Vaughan-Williams N (2012). **Critical border studies: Broadening and deepening the ‘lines in the sand’ agenda.** *Geopolitics* 17(4): 727–733.
- Paasi, Anssi (2009). **Bounded spaces in a ‘borderless world’: border studies, power and the anatomy of territory,** *Journal of Power*, 2:2, 213-234, To link to this article: <http://dx.doi.org/10.1080/17540290903064275>.
- Prokkola, Eeva-Kaisa (2012). **Neoliberalizing Border Management in Finland and Schengen** 45 (2): 1318-1336, <https://doi.org/10.1111/anti.12003>.
- Pratt, Martin (2009). **The Scholar-Practitioner Interface in Boundary Studies.** The symposium “First Contact: Bringing Together the Worldwide Community of Border Studies” held at the Slavic Research Center at Hokkaido University on December 19.
- Pratt A (2009). **Between a hunch and a hard place: Making suspicion reasonable at the Canadian border.** *Social & Legal Studies* 19(4): 461–480.
- Papoli Yazdi, M., & Abrahimi, M. (1387/2008). **Theories of rural development** (5th Ed). Tehran: SAMT Publication. [In Persian]
- Petronela, A. (2012). **Concepts of Economic Growth and Development. Challenges of Crisis and of Knowledge, Economy Transdisciplinarity Cognition**, 1(15): 6-71.
- Prokkola, E.-K. (2013). **Technologies of Border Management: Performances and Calculation of Finnish/Schengen Border Security.** *Geopolitics*, 18(1): 77–94. doi:10.1080/14650045.2012.685791
- OD (2014). **Oxford dictionary.** Oxford University Press, Oxford. <http://www.oxforddictionaries.com/definition/english/border>. Accessed 2 Feb 2014.
- Rygiel K (2011). **Bordering solidarities: Migrant activism and the politics of movement and camps at Calais.** *Citizenship Studies* 15(1): 1–19.
- Shapiro, M.J. and Alker, H.R., eds., (1996). **Challenging boundaries: global flows, territorial identities.** Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Salter MB (2008). **When the exception becomes the rule: Borders, sovereignty, and citizenship.** *Citizenship Studies* 12(4): 365–380.
- Smith H (2013). **Overflowing borders: Smart surveillance and the border as a market device.** In: Geiger M and Pecoud A (eds) *Disciplining the Transnational Mobility of People.* New York: Palgrave Macmillan, pp. 83–102
- Skop, E., (2006). **introduction-Utban Space: The shape of Inequality**, *Urban Geography*, 27 (5).
- Soja, Edward. (2008). **the city and spatial justice, justice spatial/spatial justice, "www.jssj.org** WUD (2013) Webster’s unabridged dictionary. Random House, Inc., New York
- Wolff, Sarah (2008). **Border management in the Mediterranean: internal, external and ethical challenges,** *Cambridge Review of International Affairs*, 21 (2): 253-271, DOI: 10.1080/09557570802021030.